

تعامل سازمان جهانی تجارت با سازمان‌های غیر دولتی در پرتو حل و فصل اختلافات زیست محیطی

محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی*

چکیده

سازمان جهانی تجارت ارگانی زیست محیطی نیست. هدف اصلی این سازمان ارتقاء تجارت بین‌المللی و گشایش بازار می‌باشد. هر چند موافقت‌نامه خاصی در خصوص محیط زیست وجود ندارد اما به موجب قواعد سازمان جهانی تجارت، اعضای این سازمان با رعایت شرایطی می‌توانند تدابیری اتخاذ کنند که مرتبط با تجارت و در جهت حفاظت از محیط زیست باشد. البته اتخاذ این تدابیر منوط به خودداری از سوء استفاده و حمایتی نبودن می‌باشد.

اساساً سازوکارهای حل و فصل سازمان جهانی تجارت بین‌الدولی هستند. سیستم حل و فصل این سازمان باید قدری از انحصار دولتی خارج شود. دوستان دادگاه یکی از مسائل بحث‌انگیز در سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود. علیرغم پذیرش این نهاد توسط مرجع تجدید نظر (ارگان پژوهشی) این سازمان، هنوز فاصله زیادی است تا دوستان دادگاه از طرف همه اعضای سازمان جهانی تجارت پذیرفته شوند.

این تحقیق مسئله تعامل بین سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی و سازمان جهانی تجارت را تشریح می‌کند و در ابتدا به مبانی حقوقی گات ۴۷ و سازمان جهانی تجارت در خصوص روابط با سازمان‌های غیر دولتی می‌پردازد و بعد نیز به بررسی رویه قضایی ارگان حل و فصل درباره حضور سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه خواهد پرداخت.

کلید واژگان

سازمان جهانی تجارت، سازمان‌های غیر دولتی، محیط زیست، گات.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

آزادی مبادلات تجاری از اهداف مهم سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود. مقایسه آزادی مبادلات تجاری و حفظ محیط زیست ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که بین این دو موضوع نوعی همگرایی مشکل وجود دارد. لذا به این جهت باید تلاش کرد تا هر چه بیشتر بین این دو امر، تعادلی نسبی ایجاد گردد. سازمان جهانی تجارت مهم‌ترین متولی و انتظام‌بخش نظام تجاری بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی مهم‌ترین مدافع حفظ محیط زیست محسوب می‌شوند. ایجاد روابط بین سازمان جهانی تجارت با این سازمان‌ها می‌تواند کمک شایانی به حفظ محیط زیست نماید.

نوع و نحوه تولید، نگهداری، ورود و صدور بعضی از کالاها و به طور کلی تجارت آنها می‌تواند تأثیر مخرب و مضری بر محیط زیست داشته باشد. به عبارت دیگر موضوعات مختلف تجاری در مقابل موضوعات مربوط به حفاظت از محیط زیست قرار می‌گیرد و نوعی تضاد را به ذهن متبادر می‌سازد. بهره‌وری و کسب سود بیشتر از اهداف مهم کارگزاران اقتصادی است و به همین جهت رعایت کامل استانداردهای زیست محیطی می‌تواند موجبات گران شدن قیمت نهایی کالاها را فراهم کند. لذا سازمان‌های غیر دولتی به عنوان یکی از مدافعان حفظ محیط زیست می‌توانند نقش مهمی در موضع‌گیری متولیان امور تجاری بین‌المللی بازی کنند.

امروزه سازمان جهانی تجارت عموماً به عنوان گاهواره جهانی شدن و از این حیث دشمن عملی محیط زیست تلقی می‌شود. به این منظور تلاش‌های گوناگونی صورت پذیرفته تا از این طریق نقش جامعه مدنی در فعالیت‌های سازمان جهانی تجارت پررنگ شود. یکی از نمودهای خارجی این امر، حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت می‌باشد. البته حضور این سازمان‌ها دارای موافقین و مخالفین گوناگون است.^۱ بررسی حضور سازمان‌های غیر دولتی در سازمان جهانی تجارت از این جهت حائز اهمیت است که اولاً مشارکت بازیگران خصوصی در سیستم حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت نوعی مشروعیت برای این سازمان به ارمغان می‌آورد و در ثانی این حضور موجب شفافیت بیشتر در حوزه مبادلات تجاری بین‌المللی می‌شود. در عین حال حضور این سازمان‌ها در ارگان حل و فصل مورد بی‌مهری بعضی از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. چیزی که شاید در پهنه سازمان‌های بین‌المللی خیلی عجیب به نظر نرسد زیرا، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته همیشه از مواضع مشترک و یکسانی دفاع نمی‌کنند و تضاد منافع دولت‌ها سبب اتخاذ رویکردهای متفاوتی می‌گردد.

این تحقیق در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد: اول اینکه آیا روابطی بین سازمان جهانی تجارت با سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی وجود دارد؟ در صورت وجود رابطه بین آنها، آیا این سازمان مقررات و نهادهایی برای تقویت و تضمین این رابطه ایجاد کرده است؟ و در ثانی اینکه در برخورد با موضوع محیط زیست، سازمان جهانی تجارت نسبت به حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه ارگان حل و فصل خود چه رویکردی اتخاذ کرده است؟

مقایسه بین مراجع قضایی منطقه‌ای با مراجع قضایی دیگر چون دیوان بین‌المللی دادگستری یا شبه قضایی همانند مرجع حل و فصل سازمان جهانی تجارت نشانگر توسعه به کارگیری نهاد «دوستان دادگاه»^۲ در نزد مراجع منطقه‌ای حقوق بشر است. این امر خیلی عجیب نیست زیرا، دسترسی به مراجع قضایی بین‌المللی کلاسیک تنها برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است در حالی که مرجعی مثل دیوان اروپایی حقوق بشر برای اشخاص حقیقی و سازمان‌های غیر دولتی این چنین حقی را مورد توجه قرار می‌دهد.^۳ استفاده از تکنیک دوستان دادگاه تنها به مراجع قضایی بین‌المللی محدود

1. Kieffer, B., *L'organisation mondiale du commerce et l'évolution du droit international public*, Bruxelles, Larcier, 2008, pp. 152-153.

2. *Amicus curia*.

۳. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به طور مستقیم واژه "دوستان دادگاه" را به کار نمی‌برد ولی با بررسی ماده ۳۶، مفهوم دوستان دادگاه به ذهن متبادر می‌شود. کنوانسیون مقرر می‌دارد که دیوان می‌تواند «برای حسن اجرای امور دادرسی [...] از هر کشور متعاقد یا هر شخص ذی‌نفع غیر از خواهان برای ارائه نظرات به صورت مکتوب یا ارائه آن در دادرسی دعوت به عمل بیاورد.» در این جا باید این نکته را متذکر شد

نمی‌شود. مراجع شبه قضایی بین‌المللی همچون پانل (گروه ویژه) بانک جهانی و ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت نیز به موضوع مشارکت سازمان‌های غیر دولتی توجه کرده‌اند. در این تحقیق تنها موضوع تعامل سازمان‌های غیر دولتی با سازمان جهانی تجارت مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

بدست دادن تصویری از تعامل بین محیط زیست و تجارت و بررسی ابعاد مشارکت سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی در پیشگاه سازمان جهانی تجارت مستلزم بررسی مبانی حقوقی و ارتباط ارگانیک بین سازمان جهانی تجارت با سازمان‌های مزبور (بخش اول) و تجزیه و تحلیل رویه قضایی ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت نسبت به حضور سازمان‌های غیر دولتی (بخش دوم) خواهد بود.

بخش اول: مبانی حقوقی و ارتباط ارگانیک سازمان جهانی تجارت با سازمان‌های غیر دولتی

در سال ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی در خصوص تجارت و شغل گرفت.^۴ این کنفرانس از ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۲۴ مارس ۱۹۴۸ در پایتخت کوبا تشکیل شد و منتهی به تنظیم منشور هاوانا گردید. این منشور تأسیس سازمان بین‌المللی تجارت را پیش‌بینی می‌کرد اما به سبب عدم تصویب دولت‌ها و مخالفت کنگره آمریکا، شکل‌گیری سازمان مزبور عملاً بی‌نتیجه ماند. با این وجود، بخش دیگر منشور هاوانا یعنی موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به معیاری مهم در تجارت بین‌الملل مبدل گردید، و قریب ۵۰ سال با هدف توسعه تجارت بین‌المللی از طریق حذف و کاهش موانع گمرکی بر روابط تجاری بین دولت‌ها حکومت کرد. کم‌کم به سبب بروز جنبه‌های جدید در تجارت بین‌الملل و نواقص موجود در سیستم گات، ضعف‌های آن آشکار گردید و در نتیجه ضرورت تجدید نظر در سیستم مزبور احساس شد. به منظور پاسخگویی به این مشکلات و پر کردن خلاءهای موجود، در پی دور اروگوئه^۵، سازمان جهانی تجارت به موجب موافقت‌نامه مراکش ۱۹۹۴، جایگزین گات گردید.

به منظور روشن شدن ارتباط سازمان‌های غیر دولتی با سیستم تجاری بین‌المللی، ابتدا به طور مختصر به روابط این سازمان‌ها با نظام تجارت بین‌الملل قبل از تأسیس سازمان جهانی تجارت (الف) می‌پردازیم و بعد از آن به تفصیل روابط موجود این سازمان‌ها با سازمان جهانی تجارت (ب) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف) محدودیت روابط سازمان‌های غیر دولتی با گات و سازمان جهانی تجارت

همان‌طور که در بالا ذکر شد منشور هاوانا تأسیس سازمان بین‌المللی تجارت را پیش‌بینی کرد تا به این وسیله این سازمان به همراه دو سازمان دیگر یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به عنوان سه نهاد بین‌المللی وابسته به ملل متحد مأمور انتظام امور پولی، مالی و تجاری بین‌المللی گردند. اما سازمان بین‌المللی تجارت همان‌طور که اشاره شد تشکیل نگردید و نکته‌ای قابل توجه این است که ماده ۸۷ منشور هاوانا به‌طور مشخص به روابط این سازمان با سایر سازمان‌ها می‌پردازد. بند دوم این ماده مقرر می‌دارد: «سازمان [بین‌المللی تجارت] می‌تواند تدابیر ویژه‌ای را جهت تسهیل مشورت‌ها و همکاری با سازمان‌های غیر دولتی ذی‌نفع در مسائل مربوط به منشور حاضر [منشور هاوانا] را اتخاذ کند.» ادبیات به کار رفته در این ماده شبیه به ادبیات ماده ۷۱ منشور ملل متحد می‌باشد که مبنا و اساس نظام مشورت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد با سازمان‌های غیر دولتی را تشکیل می‌دهد. البته پیش‌بینی این مقرر در منشور هاوانا در این برهه بی‌جهت نبوده است زیرا، تنظیم منشور هاوانا مربوط به بعد از تاریخ تنظیم منشور ملل متحد می‌باشد.

که فرد به عنوان مخاطب اصلی حقوق بشر در فرایند اجرای این حقوق مشارکت می‌کند. لذا سازمان‌های غیر دولتی از این منظر می‌توانند نقش مهمی ایفا نمایند.

۴. قطعنامه ۱۸ فوریه ۱۹۴۶.

۵. به مجموعه مذاکرات چند جانبه تجاری دور تجاری (Round) گفته می‌شود. دور اروگوئه از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۴ طول کشید و در آن ۱۲۳ کشور حضور داشتند.

ماده ۷۱ منشور به عنوان یک معیار و سرمشق در تنظیم روابط بین سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیر دولتی تلقی می‌شود زیرا، اکثر نهادهای تخصصی ملل متحد و یا سایر سازمان‌های بین‌الدولی به شکل کم و بیش مشابه عمل کرده‌اند. با این وجود اگر بخواهیم این روابط را مورد بررسی دقیق قرار دهیم متوجه می‌شویم که روابط مذکور در یک سطح نیست، زیرا، برای مثال سازمان ملل متحد یا بانک جهانی نسبت به سایر سازمان‌ها ارتباط نزدیک‌تری با سازمان‌های غیر دولتی دارد و در ب‌های خود را به سوی این سازمان‌ها گشوده‌اند در حالی که بعضی دیگر به صورت محدود این سازمان‌ها را می‌پذیرند که از آن جمله می‌توان به صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت اشاره کرد. عدم تشکیل سازمان بین‌المللی تجارت عملاً فرصت پیش‌بینی شده در ماده ۸۷ منشور هاوانا برای سازمان‌های غیر دولتی را از بین برد؛ اما این کور سوی امید برای سازمان‌های غیر دولتی همچنان در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) باقی ماند.

در زمان شکل‌گیری گات موضوع محیط زیست از اهمیت چندانی برخوردار نبود تا به این وسیله سازمان‌های غیر دولتی مدافع حفظ محیط زیست بتوانند نقش مهمی ایفا نمایند. با این وجود، تنها ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بود که در قالب استثنائات کلی، موضوع محیط زیست را مورد توجه قرار می‌داد. عنوان ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت به استثنائات کلی اختصاص یافته است؛ که در طی ده بند این استثنائات را احصاء می‌کند. استثنائات مزبور از تنوع گوناگونی برخوردارند که از آن جمله می‌توان به تدابیر ضروری برای حمایت از اخلاق عمومی، حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران و گیاهان، ورود و صدور طلا و نقره، حمایت از علائم و حقوق مؤلفین، محصولات ساخته شده در زندان، حفاظت از خزانه‌های ملی دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی، حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، اجرای تعهدات قراردادی برای یک کالای اساسی، محدودیت صدور مواد اولیه و ذخیره بین‌المللی محصولات کمیاب اشاره کرد. در میان این استثنائات، دو بند به محیط زیست^۶ اختصاص یافته است که با توجه به آن دولت‌ها می‌توانند تحت شرایطی از تعهدات تجاری خود عدول نمایند.

مطابق ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت :

«هیچ موردی در این موافقت‌نامه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع تصویب یا اجرای تدابیر توسط هر یک از طرفین متعاقد گردد مشروط به اینکه این تدابیر به صورت ابزار تبعیض خودسرانه یا غیر موجه بین کشورهای که دارای همان شرایط می‌باشند، اعمال نگردد یا محدودیتی پنهان بر تجارت بین‌المللی ایجاد نکند. (الف) [...] (ب) تدابیری که برای حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص و جانوران یا حفاظت از گیاهان ضروری است. (ج) تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، در صورتی که این چنین تدابیری به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا بر مصرف ملی اعمال شده باشد.»

پس در زمان تنظیم موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار نبود زیرا، موضوع حقوق بین‌الملل محیط زیست به طور مؤثر از سال ۱۹۷۲ با کنفرانس استکهلم مطرح گردید و اسناد متعددی در این زمینه تنظیم شد. از این تاریخ موضوع محیط زیست به تدریج در دستور کار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. لازم به ذکر است که به همین نسبت نیز موضوعات تجاری مورد توجه سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی قرار نداشت ولی

۶. البته لازم به ذکر است که در این دو بند واژه محیط زیست به کار نرفته است ولی در آخرین نشست رسمی گروه مذاکره‌کننده دور اروگوئه در مورد موافقت‌نامه عمومی، اتریش پیشنهاد کرد که واژه «محیط زیست» به طور صریح در بند ب ماده ۲۰ اضافه شود تا به این وسیله به رابطه بیش از پیش مهم بین محیط زیست و تجارت تأکید شود ولی این پیشنهاد در عمل بی نتیجه ماند. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

OMC- Symposium de haut niveau sur le commerce et l'environnement, Genève, 15-16 mars 1998, § 84.

کم کم توجه سازمان‌های غیر دولتی به مسائل تجاری و عکس آن جلب گردید. گات به هیچ وجه مشورت با سازمان‌های غیر دولتی را نهادینه نکرده بود و تنها به صورت غیر رسمی و در قالب مشورت با این سازمان‌ها ارتباط داشت. روابط سازمان‌های غیر دولتی با سازمان جهانی تجارت تحول اساسی پیدا کرد و نهادینه گردید که در ذیل به بررسی آن خواهیم پرداخت.

همان طور که قبلاً ذکر شد در مقایسه بین سازمان جهانی تجارت و سایر سازمان‌های بین‌الدولی باید اذعان کرد که این سازمان نسبت به سازمان‌های غیر دولتی قدری بسته عمل می‌کند. البته این بسته بودن روابط به چند عامل بستگی دارد:

اولاً: سازمان جهانی تجارت، محلی برای مذاکره بین دولت‌ها است زیرا، منافع دولت در این سازمان از اهمیت زیادی برخوردار است. ثانیاً: دسترسی سازمان‌های غیر دولتی به ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت نسبتاً محدود است. بنا به ماده ۵ موافقت‌نامه مراکش که به عنوان سند تأسیس سازمان جهانی تجارت است «شورای عمومی می‌تواند به منظور مشورت و همکاری با سازمان‌های غیر دولتی که در زمینه مسایلی که سازمان جهانی تجارت مشغول است تدابیر مناسبی را اتخاذ کند.»

شورای عمومی سازمان جهانی تجارت در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۶، سندی تحت عنوان «خطوط راهبردی در خصوص تنظیم روابط بین سازمان مزبور با سازمان‌های غیر دولتی» تصویب کرد. این سند، ضمن شناسایی نقش سازمان‌های غیر دولتی به منظور اطلاع‌رسانی عموم در رابطه با فعالیت‌های سازمان جهانی تجارت، بر حفظ گفتگو غیر رسمی و سازنده بین اعضا و دبیر کل سازمان با عناصر تشکیل‌دهنده جامعه مدنی توجه ویژه‌ای مبذول داشت. از این تاریخ به بعد تنظیم روابط و مشارکت این سازمان‌ها در کنفرانس‌های وزارتی و سمپوزیوم‌های تشکیل‌شده در خصوص موضوعات معین و ارتباط روزانه بین دبیر کل سازمان جهانی تجارت و سازمان‌های غیر دولتی شکل گرفت.

علیرغم ماهیت بین‌الدولی بودن ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، عدم حضور واحدهای غیر دولتی در فرآیند حل و فصل اختلافات این سازمان لااقل در حوزه محیط زیست می‌تواند به عنوان یک کمبود تلقی شود.

ادغام ابعاد زیست محیطی در متون اقتصادی و تجاری امری نسبتاً جدید است؛ با این وجود از دهه ۸۰ سازمان جهانی تجارت و سلفش قضایای متعددی مرتبط با محیط زیست را مورد بررسی قرار داده‌اند.^۷ این قضایا، نقش مهمی در تحول موضوع محیط زیست در تجارت بین‌الملل ایفا کرده‌اند که تجزیه و تحلیل گزارشات گروه ویژه (پانل) و مرجع تجدید نظر(ارگان پژوهشی)^۸ مبین این امر است. ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت از مهم‌ترین مستندات است که

۷. در طول نزدیک به نیم قرن حیات گات، شش قضیه از جمله اختلاف کانادا و آمریکا بر سر صید ماهی تن، اختلاف کانادا و آمریکا بر سر ماهی آزاد و شاه ماهی‌ها، اختلاف کانادا و آمریکا بر سر ممنوعیت واردات سیگار، اختلاف آمریکا و مکزیک بر سر ماهی‌های تن، اختلاف آمریکا و کمیسیون اقتصادی اروپا بر سر ماهی‌های تن و قضیه مربوط به ممنوعیت واردات خودرو توسط آمریکا و سه قضیه نرم‌های مربوط به بنزین جدید و فرمول قدیم، قضیه میگو-لاک‌پشت و قضیه پنبه‌های نسوز توسط سازمان جهانی تجارت در حوزه محیط زیست مورد رسیدگی قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

www.wto.org, consulté le 10 mars 2010

۸. پانل یا گروه‌های ویژه یا Groupes spéciaux زمانی تشکیل می‌شوند که مشورت‌ها بین طرفین ظرف ۶۰ منتهی به راه حلی نشود در این صورت دولت خواهان می‌تواند تقاضای تشکیل هیات رسیدگی را بنماید و ارگان حل و فصل در اولین جلسه خود تشکیل یا عدم تشکیل پانل یا گروه ویژه را تصویب می‌کند. وظایف و اختیارات پانل به تفصیل در مواد ۷ و ۱۱ یادداشت تفاهم مربوط به قواعد و آیین‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به ارزیابی عینی اختلاف مطروحه که شامل ارزیابی وقایع، اجرای مقررات موافقت‌نامه‌های مرتبط و مطابقت این وقایع با مقررات، مشورت منظم با طرفین اختلاف و دادن امکان و کمک به آنها جهت رسیدن به راه‌حل‌های مورد قبول طرفین، اشاره کرد. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به:

غالباً در قضایای زیست محیطی مطروحه در پیشگاه سازمان جهانی تجارت به آن اشاره می‌شود. به جهت استناد طرفین اختلاف به استثنائات مندرج در این ماده، این فرصت برای ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت فراهم شده تا بندهای مرتبط به محیط زیست را تفسیر کند.

لذا در این قسمت به بررسی استثنائات زیست محیطی ماده ۲۰ خواهیم پرداخت تا از این طریق ضمن شناخت محتوای این ماده، اجرای آن را در قضایای گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

ب) استناد به استثنائات زیست محیطی مندرج در ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت

در این قسمت ما سعی خواهیم کرد به اختصار تنها به یکی از دلایل موجه استفاده و به کارگیری استثنائات ماده ۲۰ که همان تجدید ناپذیر بودن منابع طبیعی است پردازیم. در واقع این دلایل همان سیاست‌های هستند که تدابیر اتخاذی توسط طرفین متعاقد گات یا امروزه بهتر بگوییم توسط دول عضو سازمان جهانی تجارت، مطابق آن صورت می‌گیرند. حفاظت از بهداشت و حیات اشخاص، جانوران و گیاهان جملگی از مواردی است که با توجه به آن و تحت شرایط خاصی می‌توان از مقررات گات عدول کرد.

توجه و مفهوم «منابع طبیعی تجدید ناپذیر» مندرج در بند «ز» ماده ۲۰ یکی از این موارد می‌باشد. بند «ز» در خصوص تعریف منابع طبیعی ساکت است و تنها با ذکر دو شرط، عدول از مقررات تجاری را پیش‌بینی می‌کند که اولاً این تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر باشد و در ثانی این چنین تدابیری به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا بر مصرف ملی اعمال شده باشد. پرسش مهم و حساس در این خصوص تعیین و تشخیص منابعی است که واجد خصیصه تجدید ناپذیری می‌باشند؛ زیرا، با تمسک و استناد به این ویژگی می‌توان از استثناء مندرج در بند «ز» جهت حمایت از آن منبع استفاده کرد.

عام بودن این بند و فقدان تعریفی مشخص از منابع طبیعی تجدید ناپذیر سبب تفاسیر گوناگونی می‌شود زیرا، کلی و عام بودن این واژه راه را برای کشورها جهت عدول از مقررات تجاری گات تسهیل کرده و موجبات بروز اختلاف را فراهم می‌سازد. بررسی رویه گات و سازمان جهانی تجارت مبین این واقعیت است که به نحوی با این موضوع در قضایای گوناگون روبه‌رو بوده است. لذا جهت روشن شدن این مفهوم در اختلافات تجاری، ابتدا رویه گات و بعد از آن رویه سازمان جهانی تجارت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

اصولاً در بعضی از موارد، کشورها اختلاف چندانی در خصوص مصادیق منابع طبیعی نداشتند که از آن جمله می‌توان به قضیه ممنوعیت ورود ماهی‌های تن از کانادا به ایالات متحده اشاره کرد. در این قضیه هر دو کشور کانادا و ایالات متحده بر تجدید ناپذیر بودن ماهی‌های تن اتفاق نظر داشتند و به همین دلیل گروه ویژه از ورود به بحث خودداری کرد و تنها به این موضوع اکتفا کرد که هر دو کشور امضاکننده کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به بهبود نگهداری از این ذخیره‌ها می‌باشند و هر دو طرف نیز بر این نکته تأکید داشتند که ذخیره‌های ماهی‌های تن به عنوان منابع طبیعی تجدید ناپذیر محسوب شده و نگهداری و حفاظت از آن منابع باید مدیریت و اداره گردد. با این وجود گروه ویژه

Canal-Forgues (E.) Le règlement des différends à l'OMC, Bruylant- Bruxelles, 2004, pp. 53-66.

مرجع تجدید نظر (ارگان پژوهش) یا Organe d'appel یکی از نوآوری‌های سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود که در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۴۷) وجود نداشت. مطابق ماده ۱۷،۱ یادداشت تفاهم مربوط به قواعد و آیین‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، این مرجع، رکنی دائم و متشکل از هفت نفر است که وظیفه اصلی آنها بررسی مسائل و موضوعات حقوقی و تفاسیر مندرج در گزارشات گروه‌های ویژه می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به :

Canal-Forgues (E.) Le règlement des différends à l'OMC, Bruylant- Bruxelles, 2004, pp. 80-88.

متذکر شد که برای استناد به بند «ز» ماده ۲۰ جهت اتخاذ تدابیر مربوط به حفظ و نگهداری، باید شرط مندرج در این ماده، دال بر اعمال این چنین تدابیری به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا بر مصرف ملی، اعمال شود.^۹

دومین قضیه مربوط به اختلاف بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک در سال ۱۹۹۱ در خصوص واردات ماهی‌های تن می‌باشد که به قضیه تن اول معروف است. ایالات متحده آمریکا ورود ماهی‌های تن از مکزیک به این کشور را به این دلیل ممنوع کرد که روش‌ها و فنون به کار گرفته شده توسط این کشور سبب به دام افتادن گونه‌های پستاندار دریایی (دلفین‌ها) حفاظت شده می‌شود. به عبارت دیگر ماهی تن صید شده در مکزیک اصطلاحاً «اکولوژیک» نمی‌باشند زیرا، روش‌ها و فنون صید در مکزیک موجب آسیب به یک گونه در معرض انقراض (دلفین) می‌شود در حالی که صید ماهی‌های تن آمریکا به این صورت نمی‌باشد. به حدی که حتی در سال ۱۹۹۱ آمریکا اقدام به تصویب قانونی در جهت حمایت از دلفین‌ها تحت عنوان «قانون مربوط به اطلاع رسانی مصرف کننده برای حفاظت از دلفین‌ها»^{۱۰} کرد. قانون مزبور، برچسب زنی اختیاری را تجویز می‌کند تا مضر بودن یا نبودن نحوه صید محصولات صادره یا فروخته شده به ایالات متحده برای دلفین‌ها روشن شود. لازم به ذکر است که ایالات متحده آمریکا قبل از این یعنی در سال ۱۹۷۲ قانونی در خصوص حفاظت از پستانداران دریایی^{۱۱} به تصویب رساند که به موجب مقررات این قانون، صیادان آمریکایی و غیر آمریکایی مکلف به رعایت روش‌ها و فنون صیادی پیش‌بینی شده در این قانون جهت حفاظت از دلفین‌ها می‌باشند. پرسش‌های اساسی مطروحه در گروه ویژه از این قرار بودند که آیا آمریکا می‌تواند از ورود ماهی‌های تن کشور دیگری که مقررات مربوط به روش‌ها و فنون صید در خصوص حفاظت از دلفین‌ها را رعایت نمی‌کند، جلوگیری نماید؟ به عبارت دیگر آیا یک کشور می‌تواند مقررات زیست محیطی خود را به کشور ثالثی تحمیل کند؟ و دوم اینکه آیا قواعد تجاری اجازه می‌دهند تدابیری علیه روش‌ها و فنون تولید یک محصول اتخاذ گردد؟

گروه ویژه در ارتباط با پرسش اول اعلام کرد که آمریکا به این دلیل که مکزیک مقررات روش تولید آمریکا را رعایت نکرده، نمی‌توانسته از ورود محصولات ماهی تن مکزیکی خودداری کند؛ اما این کشور می‌تواند مقرراتش را در خصوص کیفیت یا محتوای محصولات ماهی تن وارده اعمال نماید. در واقع مشکل اساسی در این خصوص مربوط می‌شد به «محصول» یا کالای تولید شده و نه «فرآیند تولید». بنا به نظر گروه ویژه، یک کشور نمی‌تواند تجارت کالاها را به سبب فرآیندهای تولید یا تولید غیر اکولوژیک محدود کند. گروه ویژه از پذیرش استناد ایالات متحده به استثنائات بندهای «ب» و «ز» ماده ۲۰ امتناع کرد زیرا، به نظر آن مرجع، تدابیر اتخاذ شده باید انحصاراً در قلمرو صلاحیت ملی دولت وارد کننده یا در جاهایی که به موجب اسناد بین‌المللی دارای صلاحیت می‌باشند، اعمال شود. تدابیر با قلمروی فراسرزمینی در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تنها در اوضاع و احوال استثنایی پذیرفته می‌شود. پس بنابراین در این قضیه تدابیر لحاظ شده، نمی‌توانند به عنوان تدابیر ضروری تلقی شوند و اما در مورد اینکه آیا دلفین‌ها جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر هستند هر دو کشور مکزیک و ایالات متحده توافق کردند. اما در اختلاف دیگر بین کمیسیون اقتصادی اروپا و هلند با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۴ در خصوص واردات ماهی تن که به قضیه تن دوم معروف است باز به نوعی به ماده ۲۰ پرداخته شده است. گروه ویژه در گزارش خود اعلام کرد که اقدام آمریکا در تضاد با بند یک ماده ۱۱ می‌باشد که در آن موضوع حذف کلی ممنوعیت‌های کمی را پیش‌بینی می‌کند و از طرف دیگر اقدام آن کشور با توجه به استثنائات مندرج در بندهای «ب، د، ز» ماده ۲۰ توجیه نشده است. موضوع حائز اهمیت در قضیه تن ۲ این است که

9. Rapport du Groupe spécial, Etats-Unis - interdiction des importations de thon et de produits du thon en provenance du Canada, § 4.9.

10. Dolphin Protection Consumer Information Act.

11. Marine Mammal Protection Act .

گزارش گروه ویژه بیانگر توسعه قابل توجهی نسبت به گزارش قبلی خود در قضیه تن ۱ می‌باشد. این توسعه و تحول به خوبی از رویکرد گروه ویژه نسبت به اجرای فراسرزمینی مشخص می‌شود زیرا، گروه مزبور اعلام کرد که گات تدابیر مربوط به موضوعات یا اقدامات خارج از صلاحیت سرزمینی طرفی که این چنین تدابیری را تصویب می‌نماید، محکوم نمی‌کند. در ضمن گروه در گزارش خود بر این نکته تأکید کرد که تدابیر آمریکا در رابطه با حفاظت از دلفین‌ها و نگهداری از منابع طبیعی تجدید ناپذیر را می‌پذیرد اگر چه این تدابیر در شمول بندهای «ب، ز» ماده ۲۰ قرار نمی‌گیرد.

اما در سازمان جهانی تجارت نیز قضایایی در رابطه با تفسیر منابع طبیعی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به قضیه نرم‌های مربوط به بنزین جدید و فرمول قدیم و همچنین به قضیه میگو - لاک پشت دریایی اشاره کرد. در مورد قضیه اول، ایالات متحده آمریکا به موجب قانون هوای پاک ۱۹۹۰ خود تصمیم به مبارزه علیه آلودگی هوا ناشی از هیدروکربور گرفت. قانون مزبور که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم الاجرا گردید، سیستم‌هایی جهت تعیین آستانه‌هایی هیدروکربورهای تصفیه، توزیع یا وارد شده به قلمرو ایالات متحده را پیش‌بینی می‌کرد. مطابق با این سیستم، بنزین‌هایی که آستانه کیفی تعیین شده را به دست نیاورند قادر به فروش در ایالات متحده نیستند. به دنبال این اقدام ایالات متحده، در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۶ دو کشور برزیل و ونزوئلا با توجه به نقض اصل رفتار ملی توسط آمریکا در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت طرح دعوا کردند. به نظر کشورهای مزبور آستانه کیفیت بنزین تعیین شده در اجرای قانون ۱۹۹۰ بر تولیدکنندگان خارجی تحمیل گردیده است، بدون اینکه با آنها مشورتی شده باشد. به نظر آمریکا، نقض اصل رفتار ملی با توجه به بند ز ماده ۲۰ گات قابل توجیه است. گروه ویژه متذکر شد که توجیه آمریکا دال بر اینکه هوای پاک یک منبع طبیعی تجدید ناپذیر مطابق با بند «ز» ماده ۲۰ می‌باشد. زیرا، هوا می‌تواند توسط آلایندهایی چون آلایندهای ناشی از مصرف بنزین تجدید ناپذیر شود. تدابیر مربوط به مبارزه علیه آلودگی تدابیری مربوط به حفظ و نگهداری از منابع طبیعی تجدید ناپذیر بوده است. ونزوئلا استدلال آمریکا را رد می‌کرد به این دلیل که به نظر آن کشور هوا جزو منابع طبیعی تجدید ناپذیر نیست و بهتر است که بگوییم این «وضعیت» هوا است که از نظر پاک یا ناپاک بودن تغییر کرده است. اساس بند «ز» ماده ۲۰ بر این است که بر استخراج محصولات چون نفت و زغال سنگ اعمال شود و توسعه قلمرو و شمول آن به «وضعیت» منابع تجدید ناپذیر توجیه کننده نمی‌باشد. گروه ویژه اعلام کرد که هوای پاک یک منبع با ارزش و طبیعی است و می‌تواند غیر قابل تجدید گردد و این واقعیت که منبع غیر قابل تجدید با توجه به کیفیتش تعیین شود مبنای تصمیم گروه ویژه نیست. بنابراین گروه به این نتیجه رسید که سیاست مربوط به محدود کردن تجدید ناپذیری هوای پاک یک سیاست حفاظتی از یک منبع طبیعی بوده که در چارچوب بند «ز» ماده ۲۰ قرار می‌گیرد.^{۱۲} به دنبال گزارش گروه ویژه، ایالات متحده آمریکا از مرجع تجدید نظر درخواست کرد که نسبت به بعضی از مسائل و تفاسیر حقوقی مندرج در گزارش مزبور رسیدگی نماید. پس از تقاضای ایالات متحده، مرجع مزبور، ابتدا مطابقت تدابیر (آمریکا) را با بند ز ماده ۲۰ و بعد مطابقت آن را با صدر ماده مورد توجه قرار داد. در خصوص بند «ز»، این مرجع افزود که هوا یک منبع طبیعی غیر قابل تجدید است و تدابیر اتخاذ شده توسط ایالات متحده مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی غیر قابل تجدید است.

اما در قضیه میگو - لاک پشت دریایی نیز موضوع منابع طبیعی به این صورت مطرح گردید که در اجرای قانون ۱۹۷۳ در مورد گونه‌های دریایی در معرض انقراض، ایالات متحده در سال ۱۹۸۷ با انتشار آیین‌نامه‌های الزام‌آوری برای تمامی صیادان میگو آمریکا جهت حفاظت از لاک پشت‌های دریایی از طریق کاهش زمان تورگذاری صیادی در مناطق معین

12. Rapport du Groupe spécial, *Etats-Unis – Essence*, § 6.37.

اقدام کرد. این آیین‌نامه‌ها به نحوی مورد اصلاح قرار گرفتند که در تمام فصول و در تمام جاهایی که تورگذاری میگو، خطری برای لاک‌پشت‌های دریایی دربر داشته باشد، به اجرا گذاشته شود. بند اول ماده ۶۰۹ قانون ۲۱ نوامبر ۱۹۸۹ واردات میگوی صیدشده با فنون صید تجاری مضر برای لاک‌پشت‌های دریایی را ممنوع اعلام می‌کند و در بند ۲ همین ماده مقرر می‌دارد که ممنوعیت ورود میگوها در کشورهایی که مورد تأیید قرار گرفته‌اند اعمال نمی‌شود. بنابراین بر عکس، صادرات کشورهایی چون هند، مالزی، پاکستان و تایلند که مورد تأیید قرار نگرفته‌اند، ممنوع می‌شود. پس این مقررات موجب تبعیض غیر موجه‌ای برای کشورهایی که صید خود را مطابق با قانون فوق و اینکه مورد تأیید قرار نگرفته‌اند، می‌شود. در حالی که با تصویب دستورالعمل‌هایی در سال ۱۹۹۱ کشورهای منطقه کارائیب و اطلس غربی از یک موعده ۳ ساله اضافی برای به اجرا گذاردن تأییدیه و کنوانسیون آمریکایی برای حفاظت از لاک‌پشت‌های دریایی^{۱۳} منعقد بین ایالات متحده و بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی برخوردار شدند. بنابراین به نظر می‌رسد که این دستورالعمل‌ها و کنوانسیون، یک اختلاف رفتاری در روابط با دول ثالث قائل شده است و به همین علت هند، مالزی، پاکستان و تایلند از ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت درخواست رسیدگی به این قضیه را کردند.

با طرح این قضیه، گروه ویژه در گزارش خود اعلام کرد که ممنوعیت ورود میگو و محصولات مشتقه از آن در اجرای قانون ۶۰۹ مطابق با بند ۱ ماده ۱۱ نیست و نمی‌تواند بنابر ماده ۲۰ توجیه شود. به دنبال این گزارش، ایالات متحده آمریکا از مرجع تجدید نظر تقاضای رسیدگی کرد. در واقع این مرجع باید در خصوص مطابقت این تدابیر با قواعد موافقت‌نامه عمومی تصمیم بگیرد. به نظر ایالات متحده، این مقررات کاملاً منطبق با ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی است و جهت حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر اتخاذ شده است.^{۱۴}

مرجع تجدید نظر اعلام کرد که گروه ویژه در استنتاجاتش مرتکب اشتباه شده است زیرا، در تجزیه و تحلیل خود ترتیب مرحله به مرحله پیش‌بینی شده توسط قواعد عرفی حقوق بین‌الملل عمومی همچنان که در ماده ۳،۲ یادداشت تفاهم موافقت‌نامه مربوط به قواعد و آیین حل و فصل اختلافات آمده است، رعایت نکرده است؛ چیزی که قبل از این نیز در قضیه بنزین مطرح شده بود و بر دوگانگی مطابقت تدابیر با بند «ز» ماده ۲۰ و مطابقت آن با صدر ماده مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود.

با این وجود اقدامات آمریکا را از این حیث که مطابق با بند ز ماده ۲۰ قابل توجیه است زیرا، اولاً: لاک‌پشت‌های دریایی، به ویژه پنج گونه از آن توسط کنوانسیون سایتس مورد حمایت قرار گرفته و جزء منابع طبیعی تجدید ناپذیر محسوب می‌شود. ثانیاً: تدابیر مربوطه مستقیماً در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر می‌باشد و در نهایت اینکه از سال ۱۹۸۷ تدابیر به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا مصرف ملی میگو اعمال شده است و میگوهای آمریکایی تابع مقررات مشابه بوده‌اند. پس، تدابیر مورد اعتراض (ماده ۶۰۹) به معیارهای بند ز ماده ۲۰ پاسخ می‌دهد و به‌طور موقت با این عنوان توجیه گردید؛ ولی این گزارش، ایالات متحده را به سبب تدابیر تبعیض خودسرانه محکوم می‌کند اما لاک‌پشت‌های دریایی را جزء منابع طبیعی تجدید ناپذیر و تدابیر اتخاذ شده ایالات متحده را برای حفاظت از لاک‌پشت‌ها را یک توجیه موقت تلقی می‌کند.

با توجیه تدابیر و اقدامات اتخاذ شده در قالب استثنائات زیست محیطی، مقدمات عدول از مقررات تجاری فراهم می‌شود ولی این امر به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه بایستی در مرحله دوم این تدابیر و اقدامات با شروط صدر ماده ۲۰ مورد ارزیابی قرار گیرند.

13. Convention interaméricaine pour la protection et la conservation des tortues marines.

14. LONDON, C, *Commerce et environnement*, Puf., 2001, pp. 52-57.

بعد از تحقق شروط بندهای ذیل ماده ۲۰، گروه‌های ویژه یا مرجع تجدید نظر شرایط مقدماتی صدر ماده را به اجرا می‌گذارند. بنابراین برای توجیه و موجه شدن هر یک از بندهای ذیل ماده ۲۰ باید توسط شروط صدر این ماده نیز مورد ارزیابی قرار گیرند تا اقدامات و تدابیر اتخاذ شده توسط هر یک از طرفین به صورتی اعمال نشوند تا ابزار تبعیض خودسرانه یا غیر موجه بین کشورهای که دارای همان شرایط می‌باشند و یا اینکه موجب محدودیتی پوشیده بر تجارت بین‌المللی گردد.

پس با این اوصاف صدر ماده ۲۰ دو معیار کلی در قبال استثنائات زیست محیطی مطرح می‌کند: اول) معیار عدم تبعیض خودسرانه یا غیر موجه. دوم) عدم محدودیت پوشیده بر تجارت بین‌المللی. این دو معیار در قضایای مختلفی از جمله «بنزین» و «لاک پست-میگو» مورد توجه مرجع تجدید نظر قرار گرفته است. مرجع فوق اعلام کرد که تدابیر ملی محدود کننده در مورد دو گونه به طور موقت بنابر بند «ز» ماده ۲۰ توجیه شده‌اند. با این وجود، این مطابقت کافی نیست زیرا، ارگان مزبور به طور کامل تدابیر اتخاذ شده توسط خواننده (آمریکا) را مورد تأیید قرار داد. در واقع، زمانی که از مرجع تجدید نظر تقاضای رسیدگی نسبت به مطابقت این تدابیر با ماده ۲۰ شد، این مرجع، مطابقت را در دو مرحله مورد توجه قرار داد: در اولین مرحله، این مرجع مطابقت تدابیر را نسبت به بند «ز» مورد بررسی قرار داد و سپس مطابقت آن تدابیر را با مقررات صدر ماده ۲۰ مورد ارزیابی قرار داد.

مرجع تجدید نظر در قضیه میگو، دامنه و شمول کلی مندرجات صدر ماده ۲۰ را تنها مبین اصل حسن نیت معرفی می‌کند. ارگان اعلام می‌دارد که این اصل یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که بر اجرای حقوق دولت‌ها حاکم است. یکی از کاربردهای رایج این اصل در دکتترین سوء استفاده از حق می‌باشد که ممنوعیت سوء استفاده از حقوق را در مرحله اجرا مورد توجه قرار می‌دهد و مقرر می‌دارد که در زمان درخواست یک حق بایستی با حسن نیت یعنی به صورت معقول اعمال شود. سوء استفاده یک عضو از حقوق معاهده ای خود ترجمان نقض حقوق معاهده ای سایر اعضا است^{۱۵}.

برای تفسیر و اجرای صدر ماده باید اساساً تعادلی بین حق هر یک از اعضا در استناد به یکی از استثنائات این ماده و حقوقی که سایر اعضا بنابر مقررات ماهوی گات دارند، ایجاد شود؛ به نحوی که هیچ یک از حقوق موجب ابطال حق دیگری نشود یا تعادل حقوق و تعهدات وضع شده توسط خود اعضا در موافقت‌نامه را به خطر نیاندازد. تعیین و تشخیص نقطه تعادل مندرج در صدر ماده ۲۰ ثابت و تغییر ناپذیر نیست و این نقطه با توجه به نوع و شکل تدابیر مورد نظر متنوع بوده و از قضیه‌ای به قضیه دیگر متفاوت است. در رابطه با کارکرد صدر ماده ۲۰، مرجع تجدید نظر در قضیه بنزین اعلام کرد که هدف و موضوع شروط مقدماتی ماده ۲۰ عموماً پیشگیری از «سوء استفاده از استثنائات احصاء شده در [ماده ۲۰]» است و عنصر بنیادین هدف و موضوع جلوگیری از سوء استفاده یا استفاده نامشروع از استثنائات قواعد ماهوی پیش‌بینی شده در این ماده است. صدر ماده ۲۰ بر این اصل استوار است که اعمال یک حق نباید در تضاد با تعهدات قانونی ناشی از قواعد ماهوی موافقت‌نامه عمومی باشد. به عبارت دیگر، برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده یا استفاده نادرست از این استثنائات، اقدامات و تدابیر مربوط به استثنائات خاص، باید به شیوه‌ای معقول و با توجه کامل به تعهدات قانونی طرف استناد کننده به استثناء و حقوق قانونی سایر طرفین ذی‌نفع اجرا گردد^{۱۶}.

بنابراین برای ایجاد تعادل بین تعهدات اصلی گات و استثنائات ذیل ماده ۲۰، شرایط صدر ماده مزبور وضع شده‌اند که باید برآورده شوند. به موجب صدر ماده ۲۰، سه معیار بایستی برآورده شود: اولاً: گروه ویژه تعیین کند که آیا تدبیر اتخاذ شده ابزار تبعیض غیر موجه است؟ ثانیاً: آیا تدبیر اتخاذ شده ابزار تبعیض خودسرانه است؟ ثالثاً: و در صورتی که

15. Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes, § 158.

16. Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Essence, p. 23.

هیچ یک از موارد نباشد، گروه ویژه به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا تدبیر اتخاذ شده محدودیت پوشیده‌ای بر تجارت بین‌المللی است؟^{۱۷} به منظور جلوگیری از بهره‌مند شدن تدابیر حمایتی از مندرجات ماده ۲۰، بایستی تنها یکی از سه معیار فوق اثبات شود. برای مثال در قضیه میگو، مرجع تجدید نظر اعلام کرد که با تحقق این امر که تدبیر مورد نظر ابزار تبعیض غیر موجه و خودسرانه‌ای، بین کشورها که دارای همان شرایط می‌باشند، محسوب می‌شود دیگر ضرورتی به بررسی اینکه آیا تدبیر به صورتی اعمال شده که محدودیت پوشیده بر تجارت بین‌المللی است یا خیر وجود ندارد.^{۱۸} پس با توجه استثنائات ماده ۲۰ و رعایت شروط صدر آن موجبات عدول از تعهدات تجاری جهت حفاظت از محیط زیست فراهم می‌شود. بعد از تشریح مقررات زیست محیطی مندرج در ماده ۲۰ لازم است به طور عمیق‌تر به حضور سازمان‌های غیر دولتی در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت و تجزیه و تحلیل رویه آن سازمان پردازیم.

بخش دوم) رویه قضایی سازمان جهانی تجارت نسبت به حضور سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی در پیشگاه ارگان حل و فصل

حضور سازمان‌های غیر دولتی در مراجع بین‌المللی اعم از قضایی و شبه قضایی از اهمیت زیادی برخوردار است. البته جواز این حضور، به اساسنامه و آیین دادرسی مرجع رسیدگی کننده بستگی دارد. در بعضی از این مراجع حضور سازمان‌های غیر دولتی پررنگ‌تر از سایر مراجع می‌باشد. البته ذکر این موضوع لازم است که فعالیت این سازمان‌ها در دادرسی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در دو قالب مداخله مستقیم و غیر مستقیم قابل بررسی است. از مداخله مستقیم این سازمان‌ها زمانی می‌توانیم صحبت کنیم که آنها خود قربانی نقض یکی از حقوق نهادین‌شان شده باشند؛ در حالی که در مداخله غیر مستقیم، اساسنامه و / یا آیین‌نامه‌های داخلی بعضی از مراجع بین‌المللی امکان چنین مداخله‌ای را فراهم کرده‌اند. پس در این صورت، قربانی می‌تواند از حمایت و مشاوره این سازمان‌ها بهره‌مند شده و زمینه مشارکت آنها را در قالب نهاد «دوستان دادگاه» (*Amicus curiae*) محقق سازد.

الف) سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت

دوستان دادگاه واژه‌ای اصالتاً لاتین و منبعث از حقوق کشورهای انگلوساکسون می‌باشد که کم‌کم وارد حقوق بین‌الملل شده است. این نهاد حقوقی اجازه می‌دهد تا مراجع قضایی از یک شخصیت دعوت به عمل آورند تا اطلاعات و مشاهدات خاص خود را جهت روشن شدن موضوع و یا قتن راه حل در اختیار آنها بگذارد.^{۱۹} استفاده از نهاد دوستان دادگاه عموماً برای دفاع از منافع عامه مناسب می‌دانند؛ و از این منظر سازمان‌های غیر دولتی دارای یک وضعیت ویژه می‌باشند و قادرند بر اساس منافع عامه وارد عمل شوند. به عبارت دیگر، مداخله دوستان دادگاه در مراجع مشاهده می‌شود که افراد دسترسی بیشتر و آسان‌تری دارند. به طور کلی توسعه حقوق بشر و ایجاد مراجع مختلف منطقه‌ای یا بین‌المللی که در آنها دسترسی افراد تجویز شده است، تحول عظیمی در استفاده از نهاد دوستان دادگاه ایجاد کرده است. تنوع و گسترش قلمروهای مختلف حقوق بین‌الملل نه تنها سبب تنوع مراجع تصمیم‌گیری شده بلکه موجب مداخله بازیگران جدید در فرآیند تصمیم‌گیری قضایی و افزایش درخواست‌های مربوط به مداخله این سازمان‌ها نیز شده است. در مقام مقایسه مراجع بین‌المللی مختلف، ما می‌توانیم به آسانی اختلاف اساسی بین مراجع حامی حقوق بشر و مراجع کیفری بین‌المللی از یکطرف و دیوان بین‌المللی دادگستری را از طرف دیگر مشاهده کنیم؛ زیرا، شناسایی و عدم شناسایی دسترسی مستقیم و/یا غیر مستقیم فرد به این مراجع واقعی است که وجود این اختلاف را تصدیق می‌کند.

17. Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes, § 150.

18. Rapport de l'Organe d'appel, Etats Unis-Crevettes, § 184.

19. SALMON, J. *Dictionnaire de droit international public* (sous la dir.), Bruxelles, Bruylant, 2001, pp. 62-63.

مداخله سازمان‌های غیر دولتی در مراجعی که می‌توانند به صورت دوستان دادگاه حاضر شوند غالباً مشابه است. در واقع، مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه توسط اساسنامه یا آیین‌نامه‌های داخلی و قواعد آیین دادرسی این مراجع پیش‌بینی می‌شود، اگرچه همیشه به‌طور صریح این مداخله تحت عنوان دوستان دادگاه ذکر نشود.^{۲۰}

پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه کسانی می‌توانند به عنوان دوست دادگاه در پیشگاه مراجع بین‌المللی حاضر شوند؟ دوستان دادگاه اشخاص حقیقی یا حقوقی، عمومی یا خصوصی هستند که به‌طور غیر مستقیم در دادرسی نه به عنوان «طرف» بلکه به عنوان «دوست» مداخله کرده^{۲۱} و اطلاعات تکمیلی در اختیار مرجع رسیدگی‌کننده می‌گذارند.^{۲۲} در این رابطه باید مداخله ثالث را در دادرسی از مداخله دوستان دادگاه تفکیک کرد؛ زیرا، ثالث شخصی است که نه جزء طرفین دعوا است و نه از کسی نمایندگی می‌کند. در حقوق معاهدات ثالث به تابعانی اطلاق می‌شود که خارج از هر گونه رابطه قراردادی دو یا چند جانبه است. پس ثالث در دادرسی به شخصی گفته می‌شود که جزء طرفین دعوی مطروحه در نزد مرجع قضایی نیست، ولی با این وجود می‌تواند به سبب یک منفعت خاص یا عام در دادرسی مشارکت کند. وضعیت مابین این دو حالت یعنی بین طرف دعوا و ثالث بودن در دادرسی امری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. نهاد دوستان دادگاه به ثالث در اینجا به (سازمان‌های غیر دولتی) اجازه می‌دهد نه تنها در دادرسی بلکه در جستجوی اتخاذ تصمیم برای قضیه مشارکت نمایند. از نقطه نظر ترمینولوژی، واژه «طرف نبودن» اصطلاحی است که می‌تواند برای کلیه دوستان در پیشگاه دادگاه به کار رود به حدی که این دوستان به عنوان «طرف» و به نفع یکی از نظرات دفاع شده در نزد قاضی توسط طرفین اصلی دعوا تلقی نشوند. تفاوتی که دوستان دادگاه با گواهان و کارشناسان دارد در این است که دوستان آزادند با موافقت قاضی و در بعضی مواقع طرفین دعوا نقطه نظرهای حقوقی و عملی خود را در ارتباط با موضوع اعلام کنند. ولی این دوستان نباید منفعت مستقیم و شخصی برای مداخله مربوطه داشته باشند.

اطلاعات تهیه شده توسط سازمان‌های غیر دولتی در قالب گزارش‌های کتبی یا شفاهی می‌باشد که متضمن نظرات ایشان درباره موضوع متنازع فیه است. در حقیقت این اطلاعات در بردارنده عناصر واقعی و عینی یک قضیه مشخص می‌باشند که می‌تواند بر تصمیم اثر بگذارد. به همین سبب نیز مرجع رسیدگی‌کننده غالباً موضوعی را که دوستان باید در آن حوزه اطلاعات خود را در اختیار وی بگذارند به‌طور صریح مشخص می‌کند. علیرغم مفید بودن اطلاعات فوق، ذکر این نکته نیز لازم است که پذیرش سیستماتیک و بدون قید و شرط این گزارشات می‌تواند مرجع رسیدگی‌کننده را در مقابل تعداد بیشتری از این گزارشات قرار دهد. ترس احتمالی این مراجع از گسترش این رویه قابل درک است و به همین جهت به نظر می‌رسد که گزارشات کتبی در الویت قرار داشته باشند.

بنابراین سازمان‌های غیر دولتی به این وسیله با دادن نقطه نظر خود در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند. این نقطه نظر از این جهت حائز اهمیت است که این سازمان‌ها نه تنها در روشن شدن جنبه از قضیه مشارکت می‌کنند بلکه از طرف دیگر نوعی تضمین برای مشروعیت شرکت بخشی از جامعه مدنی در فرآیند تصمیم‌گیری در دادرسی محسوب می‌شود. اصالت اصلی این تکنیک در این است که دادرسی را به روی بازیگرانی غیر از طرفین دعوا می‌گشاید.

۲۰. رضایی قوام آبادی، محمد حسین، «حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۵۳-۱۷۲.

21. ABDELSALAM, A. Mohamed, «Individual and NGO Participation in Human Rights Litigation before the African Court of Human and People's Rights: Lessons from the European and Inter-American Courts of Human Rights» *Journal of African Law*, 43(2), 1999, p. 204.

22. DUPUY, P.M., *Droit international public*, Paris, Dalloz, 1998, p. 225.

یادداشت تفاهم مربوط به آیین‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات، مداخله دوستان دادگاه را تنها به دولت‌ها محدود کرده است. دسترسی سازمان‌های غیر دولتی به طور صریح در یادداشت تفاهم فوق پیش‌بینی نشده است. با این وجود ماده ۱۳ این یادداشت تفاهم به گروه‌های ویژه (پانل) اجازه داده است که اطلاعات و نظرات فنی را از هر شخص یا ارگان یا هر منبعی که مناسب تشخیص دهند، درخواست نماید.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به این ماده آیا گروه‌های ویژه قادرند اطلاعات درخواست نشده منابع غیر دولتی را دریافت دارند که به طور خلق الساعه توسط خود سازمان‌های غیر دولتی ارسال شده است؟ ماده ۱۳ هیچ‌گونه تصریحی به این موضوع ندارد و مطابق این ماده گروه‌های ویژه تنها اطلاعات درخواست شده را دریافت می‌کنند. این ایده در قضیه میگو - لاک پشت مورد توجه قرار گرفت و گروه ویژه تأکید کرد که تنها گزارشات سازمان‌های غیر دولتی را که گروه ویژه خود درخواست کرده است، می‌پذیرد. در حالی که این ایده توسط مرجع تجدید نظر سازمان جهانی تجارت رد گردید و این مرجع اعلام کرد که جایی برای مقایسه اختیار درخواست اطلاعات و ممنوعیت پذیرش اطلاعات ارائه داده شده به گروه ویژه بدون درخواست و تقاضای آن گروه وجود ندارد. زمانی که گروه ویژه می‌تواند ابتدای به ساکن درخواست اطلاعات کند به خودی خود آن گروه ویژه، مجبور به پذیرش و قبول اطلاعات ارائه شده نیست. لذا به نظر می‌رسد که مرجع تجدید نظر با دادن یک تفسیر موسع به ماده ۱۳ یادداشت تفاهم برای دریافت اطلاعات درخواست نشده بر اختیارات گروه‌های ویژه تأکید کرده است. باید به این نکته اشاره کرد که این مورد تنها موردی نیست که در آن مرجع تجدید نظر به اختیارات گروه‌های ویژه در درخواست اطلاعات توجه می‌کند بلکه در قضیه گوشت‌های هر مونی نیز به اختیار درخواست اطلاعات در چارچوب ماده ۱۳ اشاره کرده است.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در چارچوب ماده ۱۳، مرجع تجدید نظر می‌تواند اطلاعات واحدهای غیر دولتی را از طریق گزارشات دوستان دادگاه دریافت دارد؟ ماده ۱۳ به وضوح و آشکارا تنها به گروه‌های ویژه اجازه می‌دهد که چنین اطلاعاتی را از اشخاص، ارگان‌های دیگر درخواست نمایند در حالی که مرجع تجدید نظر تنها برای قضاوت در خصوص مسایل مربوط به «موضوع حق» صلاحیت دارد و حال آنکه مداخلات سازمان‌های غیر دولتی بیشتر «مسایل عینی» را مورد توجه قرار می‌دهد.^{۲۳} مرجع تجدید نظر در قضیه میگو - لاک پشت بر این موضوع تأکید کرد که گزارشات سازمان‌های غیر دولتی می‌تواند توسط گروه‌های ویژه و یا خود مرجع تجدید نظر دریافت شوند. این موضع توسط این مرجع در قضیه‌ای تحت عنوان سرب - بیسموت ۲ مورد تأیید مجدد قرار گرفت. مرجع تجدید نظر اعلام کرد که هیچ‌یک از مقررات یادداشت تفاهم یا آیین‌های کار به طور صریح مقرر نمی‌دارد که مرجع تجدید نظر می‌تواند گزارشات یا مراسلات منابع دیگر غیر از طرفین قضیه و ثالث در آیین پژوهشی را بپذیرد و مورد بررسی قرار دهد. در عوض، نه یادداشت تفاهم و نه آیین‌های کار به طور صریح پذیرش یا بررسی این گزارشات را ممنوع نمی‌کند.^{۲۴} مضاف بر اینکه مرجع تجدید نظر ضمن تأکید بر ماده ۹: ۱۷ یادداشت تفاهم مقرر می‌دارد که این مرجع، در زمانی که موضوع عبارت از پذیرش قواعد آیینی که در تعارض با قواعد آیینی اعلام شده در یادداشت تفاهم یا سایر موافقت‌نامه‌های مربوطه نباشد، دارای قدرت و اختیار گسترده‌ای می‌باشد و در واقع دو نوع محدودیت مشورت با اشخاص و تطابق با قواعد اعلام شده در یادداشت تفاهم و سایر موافقت‌نامه‌های مربوطه به موجب قضیه، در مقابل اختیارات پیش‌بینی شده است بنا به نظر استاد ح. قراری، مبنا در دو سطح متفاوت است: در سطح گروه

23. ANGELET, N., «Les tiers à l'instance dans la procédure de règlement des différends de l'OMC», in journée d'études : le tiers à l'instance devant les juridictions internationales, 1er juin 2004, p. 25.

24. Rapport Organe d'appel, *Etats-Unis - Imposition de droits compensateurs sur certains produits en acier au carbone, plomb et bismuth laminés à chaud originaires du Royaume-Uni*, 10 mai 2000, WT/DS138/AB/R, § 39.

ویژه، این ماده ۱۳ است که به این مرجع اجازه می‌دهد هر گونه اطلاعات مفید را از هر شخص یا ارگانی درخواست کند در حالی که در مرجع تجدید نظر، مبنا متفاوت است و بنا به نظر این مرجع، ناشی از قدرت و اختیار حل و فصل آیینی است که برای وی شناخته شده و همان طور که بر این امر تصریح شده در صورتی که یادداشت تفاهم و آیین کار این چنین امکانی را به طور صریح اجازه نمی‌دهند، آنها (یادداشت تفاهم و آیین کار) مرجع تجدید نظر را از انجام آن نیز ممنوع نمی‌کنند.^{۲۵}

این چنین موضعی از طرف مرجع تجدید نظر نشانگر موضع مناسب نسبت به گشایش درب آیین پژوهشی و تجدید نظر به سوی سازمان‌های غیر دولتی است. مرجع تجدید نظر در قضیه (سرب - بیسموت ۲) اعلام کرد که آن مرجع مطابق یادداشت تفاهم و موافقت‌نامه‌های مورد نظر اقدام خواهد کرد و تصمیم خود را دال بر متناسب بودن پذیرش و بررسی یا عدم بررسی اطلاعات و مرتبط بودن و مفید بودن آن اطلاعات را در چارچوب آیین پژوهشی آن مرجع اعلام کرد. همچنین لازم است متذکر شویم که دولت‌ها هیچ‌گونه وسیله تأثیر بر مرجع تجدید نظر که با آن دسترسی سازمان‌های غیر دولتی را به آیین پژوهشی رد نمایند در اختیار ندارند. و مضاف بر اینکه آیین‌های کاری برای پژوهش و تجدید نظر به مرجع تجدید نظر اجازه می‌دهد که گزارشات اضافی را از هر یک از طرفین یا ثالث درخواست کند.^{۲۶} در هر صورت، این موضوع گویای این است که یک تحول به نفع واحدهای غیر دولتی برای ارسال گزارشات دوستان دادگاه در پیشگاه ارگان حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت وجود دارد و رویه و عملکرد این ارگان این موضوع را تصدیق می‌کند.

ب) عملکرد گروه‌های ویژه و مرجع تجدید نظر نسبت به مداخله سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی

موضوع مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت در قضایای گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. رویه این ارگان کم و بیش نشانگر رویکردهای متفاوتی نسبت به حضور سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه می‌باشد. در این قسمت به برخی از قضایا همچون میگو - لاک پشت، سرب - بیسموت ۲ و پنبه نسوز خواهیم پرداخت که در آنها مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه ارگان حل و فصل اختلاف مطرح شده است.

قضیه میگو - لاک پشت

در سال ۱۹۸۹ ایالات متحده آمریکا با تصویب ماده ۶۰۹ قانون ۱۶۲-۱۰۱ باعث بروز اختلافاتی در مبادلات برخی از اعضای سازمان جهانی تجارت گردید. این قانون به ایالات متحده آمریکا اجازه می‌داد تا در صورت نقض سازوکارهای پیش‌بینی شده مندرج در این قانون در خصوص استفاده از تورهای که مجهز به DET^{۲۷} این کشور بتواند از ورود میگو و فرآوردهای مشتقه از آن که مقررات قانون مزبور را رعایت نکند، جلوگیری به عمل آورد.^{۲۸} به زعم ایالات متحده، این

25. GHERARI, H. «L'accès à la justice interétatique», in GHERARI, H. et SZUREK, S., *L'émergence de la société civile internationale*, Paris, Pedone, 2003, 162.

26. Voir, Règle 28 §1 Procédures de travail pour l'examen en appel.

27. Dispositifs d'Exclusion des Tortues marines.

28. Rapport du Groupe spécial, *Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes*, 3 novembre 1998, § 2.7.

تصمیم در راستای حفاظت از هفت نوع لاک‌پشت دریایی اتخاذ شده است و با اعمال این قانون کشورهای هندوستان، مالزی، پاکستان و تایلند با مشکلات عدیده‌ای در خصوص صدور میگو و سایر فرآورده‌های مشتقه از آن روبه‌رو شدند و به همین منظور در سال ۱۹۹۶ کشورهای مزبور با این استدلال که قانون آمریکا حق تعیین تکلیف برای سیاست‌های تجاری سایر اعضا ندارد و در ضمن این اقدام ایالات متحده نقض اصل ممنوعیت محدودیت‌های مقداری (کمی) مذکور در ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت محسوب می‌شود.

طرح این قضیه در سازمان جهانی تجارت از اهمیت زیادی برخوردار بوده زیرا، به موضوعاتی چون محیط زیست و تجارت بین‌الملل و حضور سازمان‌های غیر دولتی در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت پرداخته است. لذا با بررسی گزارش‌های گروه ویژه و مرجع تجدید نظر به رویکرد متفاوت این دو رکن نسبت به حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت پی خواهیم برد.

این قضیه به خوبی به موضوع مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه تأکید می‌کند. در این قضیه، سازمان‌های غیر دولتی حامی محیط زیست گزارش خود را به عنوان دوستان دادگاه تقدیم گروه ویژه کردند. این گروه با استناد به ماده ۱۳ یادداشت تفاهم از توجه به گزارشات سازمان‌های غیر دولتی که به طور مستقیم تقدیم شده بود، امتناع کرد و پذیرفت که این گزارشات باید ضمیمه نوشته‌های طرفین گردد. مرجع تجدید نظر با نظر گروه ویژه کاملاً موافق نبود و مطابق نظر این ارگان، گروه ویژه اختیار پذیرش یا عدم پذیرش اطلاعات یا نظراتی که به وی ارسال شده بدون توجه به اینکه وی درخواست کرده باشد یا درخواست نکرده باشد را دارا می‌باشد.

در این قضیه، گروه ویژه و مرجع تجدید نظر بر اعتبار گزارشات منضم به مکاتبات طرفین تأکید و اصرار کردند. اعتبار گزارشات سازمان‌های غیر دولتی باید از گزارشات تهیه شده توسط این سازمان‌ها به منظور و با هدف تهیه اطلاعاتی که صریحاً توسط گروه‌های ویژه درخواست شده و گزارشات تهیه شده توسط سازمان‌های غیر دولتی که در گزارشات یکی از دول طرف ادغام شده است قائل به تفکیک شد. در این قضیه ایالات متحده در گزارشات سه گانه خود مداخلات سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی را ضمیمه کرده بود. از طرف دیگر، یکی از این سازمان‌های غیر دولتی (مرکز حقوق بین‌الملل محیط زیست) در سوم اوت ۱۹۹۸ یک نسخه اصلاح شده از مداخله خود را ارائه داد. ارسال مستقیم نسخه اصلاح شده بعدی به مرجع تجدید نظر توسط این سازمان‌ها موجب طرح مسائلی در ایالات متحده گردید. مرجع تجدید نظر، ایالات متحده را در خصوص دلایل بیان شده توسط گزارشات سازمان‌های غیر دولتی و رابطه بین گزارشات این سازمان‌ها و مکاتبات ایالات متحده را جويا شد. ایالات متحده در پاسخ اعلام کرد که سه گزارش تهیه شده توسط سازمان‌های غیر دولتی منعکس‌کننده نقطه نظرهای مستقل این سازمان‌ها است. ایالات متحده دلایل حقوقی بیان‌شده در گزارشات سازمان‌های غیر دولتی را در حدی که با دلایل اعلام شده در گزارش اصلی ایالات متحده موافق است را مورد تأیید قرار می‌دهد.^{۲۹}

در هر صورت مناسب است متذکر شویم که این قضیه بر تفاوت بین ضمیمه کردن گزارشات سازمان‌های غیر دولتی به نوشته‌های طرفین و ارسال مستقیم گزارشات دوستان دادگاه تأکید کرده است. در مورد ارسال مستقیم گزارشات اصلاح شده (که قبلاً ضمیمه نوشته‌های ایالات متحده آمریکا گردید) توسط مرکز حقوق بین‌الملل محیط زیست به ارگان استیناف، این ارگان به طور ضمنی گزارش اصلاح شده سازمان‌های غیر دولتی را پذیرفت در حالی که گزارش اصلاح شده مزبور بدون واسطه دولت ایالات متحده تقدیم شده بود. پس به نظر می‌رسد که به محض دریافت گزارش

29. Rapport de l'Organe d'appel, *Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes*, 12 octobre 1998, WT/DS58/AB/R, § 86.

اصلاح شده سازمان‌های غیر دولتی نامبرده در مرحله پژوهشی می‌تواند به عنوان روزه‌ای باز در «دولتی بودن» آیین در پیشگاه مرجع تجدید نظر سازمان جهانی تجارت تلقی شود.^{۳۰} در رابطه با گزارشات ضمیمه به نوشته‌های ایالات متحده، مرجع تجدید نظر امکان ادغام این گزارشات را به نوشته‌های دولت مربوطه بعد از درخواست ایالات متحده را پذیرفت منوط به اینکه دلایل ارائه شده توسط گزارشات سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دلایل ایالات متحده تلقی شود. ایالات متحده با این پاسخ یک نوع تبعیت بین دلایل خاص خود و دلایل مندرج در گزارشات سازمان‌های غیر دولتی ایجاد کرد. زیرا، این دولت ارزیابی کرد که دلایل سازمان‌های غیر دولتی را تا حدی تأیید خواهد کرد که در راستای دلایل ارائه شده توسط این کشور در گزارش اصلی‌اش بوده و مشابه آن باشد. در صورت تعارض بین این دلایل، دلایل سازمان‌های غیر دولتی تابع دلایل مندرج در گزارش دولت خواهد بود. به نظر می‌رسد که یک نوع شرط وجود دارد و بنابر این شرط دلایل سازمان‌های غیر دولتی باید مطابق دلایل دولتی باشد و این امر طبیعتاً اعطای نوعی ارزش ثانوی به دلایل ارائه شده توسط سازمان‌های غیر دولتی خواهد بود و این موضوع در نهایت مبین اقتدار دولت و صحنه‌داری دولت‌ها است.^{۳۱}

قضیه سرب - بیسموت ۲

این قضیه نیز به نوعی به موضوع مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه می‌پردازد؛ و مرجع تجدید نظر نشان داد که با گشایش و به کارگیری دوستان دادگاه موافق می‌باشد. هر چند که مرجع تجدید نظر گزارش ارسال شده به طور مستقیم در قضیه میگو - لاک پشت را بدون هیچ توضیحی پذیرفت در قضیه سرب - بیسموت ۲، ارگان مزبور با استناد به ماده ۹: ۱۷ یادداشت تفاهم ارزیابی کرد که دارای اختیاری قابل مقایسه با اختیار اعطاشده به گروه‌های ویژه بر اساس ماده ۱۳ یادداشت تفاهم برخوردار است.^{۳۲} مرجع تجدید نظر اعلام کرد که این مقررره آشکارا بیان می‌کند زمانی که موضوع مربوط به پذیرش قواعد آیین رسیدگی باشد و این قواعد در تضاد با قواعد آیین رسیدگی اعلام شده در یادداشت تفاهم یا موافقت‌نامه مرتبط نباشد، این ارگان اختیار گسترده‌ای دارا می‌باشد. در نتیجه ما بر این عقیده هستیم تا زمانی که ما بر اساس مقررات یادداشت تفاهم یا موافقت‌نامه مرتبط عمل می‌کنیم، به طور قانونی این اختیار را داریم در مورد مناسب بودن پذیرش و بررسی یا عدم پذیرش و عدم بررسی اطلاعات تصمیم بگیریم و ما ارزیابی می‌کنیم که در چارچوب آیین پژوهشی مرتبط و مفید می‌باشد.^{۳۳}

این موضع مرجع مزبور یک گام به جلو جهت گشایش رویه دوستان دادگاه تلقی می‌شود. این موضع با گذشت یک مرحله تعیین‌کننده در چارچوب قضیه جوامع اروپایی - تدابیر مربوط به پنبه نسوز و محصولات محتوی آن توسعه یافت. در پیشگاه گروه ویژه، ۵ سازمان غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه مداخله کردند که از میان آنها، گزارش کالج رمزینی، فدراسیون آمریکایی کار و کنگره سازمان صنعتی توسط جوامع اروپایی در گزارشات‌شان ادغام شد. این گزارشات توسط گروه ویژه به عنوان گزارشات ارسالی جوامع پذیرفته شد به حدی که این گزارشات وارد گزارشات

30. STERN, B., «L'intervention des tiers dans le contentieux de l'OMC», RGDIP, Tom 107, 2003-II, p. 266.

31. RUIZ FABRI, H., STERN, B., «L'appel dans le règlement des différends de l'OMC: trois ans après, quinze rapports plus tard», RGDIP, Tom 103, 1999-I, p.74.

32. Rapport Organe d'appel, *Etats-Unis - Imposition de droits compensateurs sur certains produits en acier au carbone, plomb et bismuth laminés à chaud originaires du Royaume-Uni*, 10 mai 2000, § 42.

33. Ibid, § 39.

ارسالی جوامع گردید. مضاف بر این، سایر گزارشات سازمان‌های غیر دولتی توسط گروه ویژه بدون هیچ توضیحی و یا به دلیل ارسال با تأخیر مطابق با مقررات یادداشت تفاهم مربوط به بررسی اولیه کنار گذاشته شد.^{۳۴}

قضیه پنبه نسوز

در واقع قضیه پنبه نسوز به خوبی اراده مرجع تجدید نظر را نسبت به گشایش و به‌کارگیری بیش از پیش دوستان دادگاه را نشان داد. همان‌طوری که مرجع تجدید نظر قبلاً در قضیه سرب - بیسموت ۲ بر اختیارات خود تأکید و آنها را به رسمیت شناخت در این قضیه (پنبه نسوز) نیز سعی کرد هر چه بیشتر در صدد نظامند کردن روابط با این سازمان‌ها و استفاده از اطلاعات آنها برآید. به این منظور رکن پژوهشی در قضیه پنبه نسوز، مجموعه‌ای از قواعد موسوم به آیین‌های ضمیمه ۳۵ را تهیه کرد که بایستی توسط تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی غیر از طرفین و اشخاص ثالث قضیه مزبور که مایل به تقدیم گزارش مکتوب به مرجع تجدید نظر هستند، رعایت گردد.^{۳۶}

مرجع تجدید نظر به دریافت گزارشات دوستان دادگاه، با ایجاد یک آیین که به موجب آن سازمان‌های غیر دولتی ذی‌نفع و علاقمند باید از مرجع تجدید نظر درخواست و تقاضای ارسال گزارش نمایند، ادامه داد. به همین جهت بنابر بند

34. Rapport de l'Organe d'appel, *Communautés Européennes - Mesures affectant l'amiante et les produits en contenant*, 12 mars 2001, WT/DS135/R, 18 septembre 2000, § 8. 12.

۳۵. به‌دنبال مشورت بین اعضای ارگان پژوهشی، برابر با قاعده ۱-۱۶ آیین‌های رسیدگی، یک آیین ضمیمه منحصرأ برای پژوهش حاضر به منظور بررسی گزارشات مکتوب دریافت شده از طرف اشخاصی غیر از طرفین و طرفین ثالث این اختلاف تنظیم گردید. آیین ضمیمه برای طرفین و طرفین ثالث در چارچوب این قضیه پژوهشی در ۸ نوامبر ۲۰۰۰ ارسال می‌گردد. این آیین ضمیمه پیش‌بینی می‌کند: ۱- هر شخص حقیقی یا حقوقی، غیر از طرفین یا طرفین ثالث این اختلاف، که مایل به تحویل گزارش مکتوب به ارگان پژوهشی باشد باید مجوز تحویل چنین گزارشی را (تا ظهر پنجشنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۰۰) از ارگان پژوهش درخواست کند. ۲- در خواست مجوز تحویل چنین گزارشی مکتوبی: الف) باید به صورت مکتوب ارائه شود و دارای تاریخ و امضاء و آدرس متقاضی باشد؛ ب) بیش از سه صفحه تایپ شده نباشد؛ ج) توصیفی از متقاضی، شامل تشکیلات و وضعیت حقوقی وی، اهداف کلی که متقاضی دنبال می‌کند، ماهیت فعالیت‌ها و منابع مالی، باشد؛ د) ماهیت منافعی که متقاضی در این پژوهش متصور است؛ ه) تعیین مسائل حقوقی خاصی که گزارش گروه ویژه دربر دارد و تفاسیر حقوقی داده‌شده توسط وی که موجب طرح پژوهش شده است همان‌طور که در اعلامیه پژوهش (WT/DS135/8) مورخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۰ بیان شده و متقاضی در نظر دارد در گزارش مکتوبش بررسی شود؛ و) بیان کند که چرا ارگان پژوهش مطابق با حقوق و تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت به موجب یادداشت تفاهم مربوط به حل و فصل اختلافات و سایر موافقت‌نامه‌های مرتبط، به منظور دسترسی به راه حلی رضایت‌بخش در مورد مسئله مورد نظر، نسبت به متقاضی مجوز تحویل گزارش مکتوب در پژوهش موافقت کند؛ و بیان نماید که به چه علت متقاضی در این اختلاف مداخله می‌کند و این که به احتمال قریب به یقین با آنچه که قبلاً توسط یکی از طرفین یا طرفین ثالث این اختلاف ارائه شده است، کاربرد و استفاده دوگانه‌ای ندارد؛ و ز) در یک اعلامیه بیان کند که آیا متقاضی رابطه مستقیم و غیر مستقیمی با یکی از طرفین یا طرفین ثالث اختلاف حاضر دارد و اینکه آیا متقاضی مساعدت، کمک مالی یا غیر آن را از یکی از طرفین یا طرفین ثالث اختلاف حاضر به منظور درخواست مجوز گزارش کتبی خود دریافت داشته است. ۳- ارگان پژوهشی هر یک از تقاضاهای تحویل مجوز مکتوب را بررسی خواهد کرد و بدون تأخیر در مورد قبول یا رد چنین مجوزی تصمیم خواهد گرفت. ۴- مجوز اعطایی (تحویل گزارش) توسط ارگان پژوهشی به این معنی نیست که ارگان مزبور در گزارش خود دلایل حقوقی ارائه‌شده در گزارش مزبور را مورد بررسی قرار خواهد داد. ۵- هر شخصی، غیر از یکی از طرفین یا طرفین ثالث این اختلاف، که مجوز تحویل گزارش مکتوب به ارگان پژوهشی را دریافت کرده است باید گزارش خود را (تا ظهر دوشنبه ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰) به دبیرخانه ارگان پژوهشی تحویل دهد. ۶- گزارش مکتوب تحویلی به ارگان پژوهشی توسط متقاضی که مجوز تحویل چنین گزارشی را دریافت کرده است: الف) تاریخ‌دار و به امضای تحویل دهنده گزارش برسد؛ ب) خلاصه باشد و در هر حالت با ضمیمه بیش از ۲۰ صفحه تایی نباشد؛ ج) دربردارنده توضیح مشخص و محدود به دلایل حقوقی با تأکید بر موضع حقوقی متقاضی در مورد مسائل حقوقی یا تفاسیر حقوقی مندرج در گزارش گروه ویژه در رابطه با موضوعی که متقاضی مجوز تحویل گزارش آن را دارد، باشد. ۷- متقاضی که مجوز دریافت داشته، علاوه بر اینکه گزارش مکتوب خود را به دبیرخانه ارگان پژوهشی تحویل می‌دهد یک کپی از گزارش خود را نیز برای تمام طرفین و طرفین ثالث اختلاف (تا ظهر دوشنبه ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰) می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Organe d'appel, *Affaire Amiante*, WT/DS135/AB/R, 12 mars 2001, § 52.

36. Organe d'appel, *Affaire Amiante*, § 52/1.

۱ ماده ۱۶ آیین رسیدگی، مرجع تجدید نظر یک آیین اضافی جهت مرحله پژوهشی برای بررسی گزارشات احتمالی دریافتی این ارگان از طریق اشخاصی غیر از طرفین یا طرفین ثالث اختلاف مورد تصویب قرار داد. این آیین ویژه برای تقاضای احتمالی دوستان دادگاه وضع گردید. این آیین یکسری شرایط را وضع کرد که سازمان‌های غیر دولتی که مایل به مشارکت به عنوان دوست دادگاه هستند، انجام دهند. سخت‌گیری بعضی از شرایط تعیین شده توسط مرجع تجدید نظر جهت جلوگیری از تورم درخواست‌های سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه می‌باشد. به نظر می‌رسد که ما در مقابل نوعی نظامند کردن یا «آیینی کردن ارسال گزارشات دوستان دادگاه» در این خصوص هستیم^{۳۷}. ولی باید اضافه کرد که این آیین تنها برای این قضیه مورد توجه قرار گرفت و احتمالاً می‌تواند به عنوان مدلی برای مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در قضایای آتی باشد. در قضیه پنبه نسوز، مرجع تجدید نظر، ۱۳ گزارش مکتوب از سازمان‌های غیر دولتی دریافت کرد که بنا به نظر آن مرجع مطابق مواعد مذکور در پاراگراف ۳ آیین ضمیمه ارائه نشده‌اند و به همین دلیل این مرجع تصمیم گرفت که از پذیرش گزارشات مکتوب خودداری کرده و برای هر یک از آنها یک کپی از رد درخواست آنها ارسال دارد. دبیرخانه انتشار آیین ضمیمه را در سطح وسیع و گسترده در وب سایت سازمان جهانی تجارت پیش‌بینی و توسط نامه الکترونیکی برای سازمان‌های غیر دولتی ارسال می‌کند. این موضوع نه تنها بیانگر این است که مرجع تجدید نظر حاضر به دریافت گزارشات سازمان‌های غیر دولتی است بلکه به عنوان مشوق و حاکی از خواست این مرجع می‌باشد^{۳۸}.

37. Voir, BOISSON de CHAZOURNES, L. et MBENGUE, M. M., «L'amicus curiae devant l'organe de règlement des différends de l'OMC » in MALJEAN- DUBOIS, S.,(sous la dir.), *Droit de l'organisation mondiale du commerce et protection de l'environnement*, Bruxelles, Bruylant , 2003, p. 419.

38. STERN, B., «L'intervention des tiers dans le contentieux de l'OMC», RGDIP, Tom 107, 2003-II, p. 270.

نتیجه گیری

یکی از عوامل مؤثر جهت ارتباط بین سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی با سازمان جهانی تجارت، موضوع اهمیت محیط زیست برای این سازمان می‌باشد. اساساً سازمان جهانی تجارت ارگانی زیست محیطی نیست و هدف اصلی آن برداشتن موانع موجود بر سر راه تجارت آزاد می‌باشد. ایجاد تعادلی بین دو موضوع حفاظت از محیط زیست و آزاد سازی مبادلات تجاری یکی از عوامل تعیین کننده در جهت تسهیل روابط بین این سازمان و سازمان‌های غیر دولتی است. به عبارت دیگر نوع رویکرد سازمان جهانی تجارت نسبت به محیط زیست در توسعه و گسترش روابط بین سازمان‌های غیر دولتی و این سازمان مؤثر خواهد بود.

سازمان جهانی تجارت، سازمانی ماهیتاً بین‌الدولی است و اشتغال اصلی آن نیز محدود به مسائل تجارت بین‌المللی می‌شود. اما در طرف مقابل شاهد وجود تعداد زیاد سازمان‌های غیر دولتی با تنوع جغرافیایی و کارکردی می‌باشیم. رعایت تمام استانداردهای زیست محیطی در فرایند تولید و تجارت کالاها و خدمات و غیره می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر زیادی بر این امور داشته باشد و به همین جهت با نوعی همگرایی مشکل در خصوص مسائل زیست محیطی و تجارت بین‌المللی روبه‌رو می‌شویم. به طور کلی مواضع متفاوت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مورد مسائل تجاری و زیست محیطی سایه خود را بر روابط بین سازمان‌های غیر دولتی و سازمان جهانی تجارت افکنده است. اقدامات زیادی در خصوص ایجاد رابطه بین سازمان جهانی تجارت و سازمان‌های غیر دولتی صورت پذیرفته است که امکان توسعه و گسترش آن همچنان وجود دارد.

از حیث حضور فعالانه این سازمان‌ها در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت پیشرفت‌هایی وجود داشته است که این امر بیش از هر چیز مرهون نهاد دوستان دادگاه می‌باشد. بنابراین سازمان‌های غیر دولتی به این وسیله با دادن نقطه نظرات خود در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند. این نقطه نظرات از این جهت حایز اهمیت است که این سازمان‌ها نه تنها در روشن شدن جنبه‌ی از قضیه مشارکت می‌کنند بلکه از طرف دیگر نوعی تضمین برای مشروعیت شرکت بخشی از جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری در دادرسی‌های قضایی و شبه قضایی محسوب می‌شود. بی تردید به کارگیری پراتیک دوستان دادگاه واجد دو مزیت عمده، اولاً برای خود دوستان و در ثانی برای دادرسی خواهد بود. اصالت اصلی این تکنیک در این است که دادرسی را به روی بازیگرانی غیر از طرفین دعوا می‌گشاید و از طرف دیگر از نظر زمانی و اقتصادی مداخله این دوستان نسبت به مداخله ثالث به معنای اخص کلمه مقرون به صرفه بوده و موجب در اختیار گذاردن نقطه‌نظرهای گوناگون به مرجع رسیدگی کننده به قضیه قبل از صدور حکم نهایی می‌شود. در صورت پذیرفته شدن به عنوان دوست، این سازمان‌ها نمی‌توانند هزینه‌های صرف شده خود را درخواست نمایند. لذا تنها سازمان‌های بزرگ غیر دولتی که تمکن مالی دارند قادر به مداخله در امر دادرسی بین‌المللی بوده و این شائبه در ذهن ایجاد می‌شود که تنها برخی از این سازمان‌ها می‌توانند از این تکنیک بهره‌مند شوند.

حضور سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی به عنوان دوستان دادگاه در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت در قضایای مختلفی مطرح شده است که مهم‌ترین آن قضیه لاک‌پشت - میگو می‌باشد. اما مشکل عمده پیش روی حضور این سازمان‌ها در ارگان حل و فصل در این است که اعمال این پراتیک موردی است و از یک قضیه تا قضیه دیگر متفاوت است. به عبارت دیگر این پراتیک به صورت سیستماتیک در قضایای مطروحه در سازمان جهانی تجارت اعمال نمی‌شود. شاید علت این امر به خاطر این موضوع باشد که پذیرش سیستماتیک و بدون قید و شرط گزارشات و اطلاعات سازمان‌های غیر دولتی خصوصاً به صورت شفاهی، مرجع رسیدگی کننده را در مقابل تعداد بیشماری از این گزارشات و اطلاعات قرار دهد. همین امر باعث شده تا مراجع قضایی و شبه قضایی نسبت به این حضور

قدری محتاط عمل کنند. ترس احتمالی این مراجع از گسترش این پراتیک در خصوص روند رسیدگی‌ها تا حدودی قابل فهم است و به همین جهت به نظر می‌رسد که گزارشات و اطلاعات کتبی مرجع باشند.

علاوه بر موردی بودن حضور سازمان‌های غیر دولتی در قضایای گوناگون، باید به این نکته نیز اشاره کرد که در سازمان جهانی تجارت، اصل پیروی از رویه قضایی و آراء و تصمیمات قبلی (*Stare decisis*) لازم‌الرعايه نیست. لذا گزارش گروه ویژه یا مرجع تجدید نظر به عنوان یک رویه یا سابقه لازم‌الاجرا، برای سایر اختلافات آتی بین همان طرفین اختلاف قبلی یا حتی بین یکی از آنها با کشور دیگر در مورد مسئله یا اختلافی همانند موضوع اولی، تلقی نمی‌شود. پس حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت در یک قضیه همچون قضیه لاک‌پشت - میگو، به منزله حضور سیستماتیک و قطعی این سازمان‌ها در قضایای آتی نخواهد بود. علیرغم پذیرش این نهاد توسط مرجع تجدید نظر سازمان جهانی تجارت، هنوز قدری فاصله است تا اینکه بگوییم سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی به صورت واقعی و مؤثر به عنوان دوستان دادگاه تلقی می‌شوند. اما، لحاظ کردن بیشتر مسائل زیست محیطی در اتخاذ تدابیر تجاری توسط سازمان جهانی تجارت و همچنین استقبال دولت‌ها از این موضوع می‌تواند حضور سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی را به طور قابل توجهی در این سازمان تقویت می‌کند.

فهرست منابع الف: کتابها

1. CANAL- FORGUES, E., *Le règlement des différends à l'OMC*, Bruxelles, Bruylant, 2004.
2. DUPUY, P.M., *Droit international public*, Paris, Dalloz, 1998.
3. GHERARI, H. et SZUREK, S., *L'émergence de la société civile internationale*, Paris, Pedone, 2003.
4. KIEFFER, B. *L'organisation mondiale du commerce et l'évolution du droit international public*, Bruxelles, Larcier, 2008.
5. LONDON, C., *Commerce et environnement*, Puf., 2001.
6. MALJEAN- DUBOIS, S., *Droit de l'organisation mondiale du commerce et protection de l'environnement*, Bruxelles, Bruylant , 2003.
7. SALMON, J. *Dictionnaire de droit international public* (sous la dir.), Bruxelles, Bruylant, 2001.

ب: مقالهها

1. ABDELSALAM, A. Mohamed, «Individual and NGO Participation in Human Rights Litigation before the African Court of Human and People's Rights: Lessons from the European and Inter-American Courts of Human Rights» *Journal of African Law*, 43(2), 1999.
2. ANGELET, N., «Les tiers à l'instance dans la procédure de règlement des différends de l'OMC», in journée d'études : le tiers à l'instance devant les juridictions internationales, 1^{er} juin 2004.
3. RUIZ FABRI, H., STERN, B., «L'appel dans le règlement des différends de l'OMC : trois ans après, quinze rapports plus tard», RGDIP, Tom 103, 1999-I.
4. STERN, B., «L'intervention des tiers dans le contentieux de l'OMC», RGDIP, Tom 107, 2003-II.
5. WALLET-HOUGET, J., «La participation des ONG au mécanisme de règlement des différends de l'OMC : Une perspective environnementales», *Revue québécoise de droit international*, (2005) 18.2.

ج: اسناد

1. OMC- Symposium de haut niveau sur le commerce et l'environnement, Genève, 15-16 mars 1998.
2. Rapport de l'Organe d'appel, *Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes*, 12 octobre 1998, WT/DS58/AB/R.
3. Rapport du Groupe spécial, *Prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes*, 3 novembre 1998, WT/DS58/R/Corr.1.
4. Rapport du Groupe spécial, *THAÏLANDE – Restriction à l'importation et taxes intérieurs touchant les cigarettes*, 7 novembre 1990, DS10/R - 37S/214.
5. Rapport Organe d'appel, *Etats-Unis - Imposition de droits compensateurs sur certains produits en acier au carbone, plomb et bismuth laminés à chaud originaires du Royaume-Uni*, 10 mai 2000, WT/DS138/AB/R.

6. Rapport de l'Organe d'appel, *Communautés Européennes - Mesures affectant l'amiante et les produits en contenant*,

12 mars 2001, WT/DS135/AB/R.